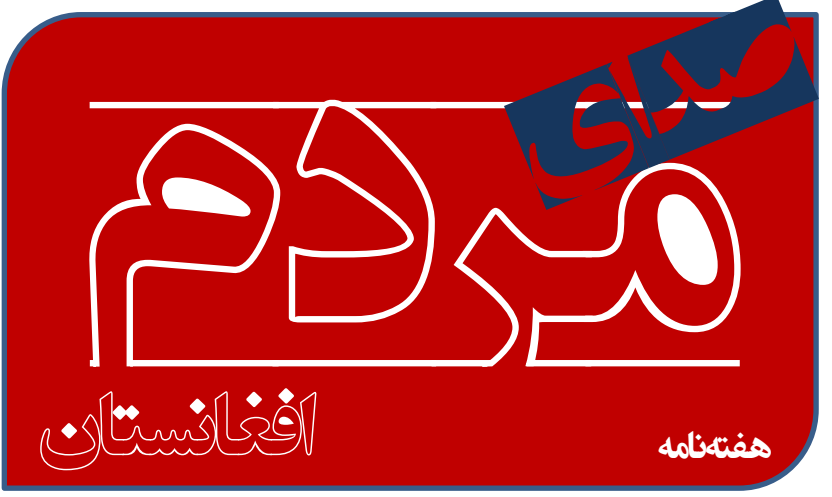


نخست وزیر آلمان: در برابر پناهجویان بی رحم نباشید

انگلا مرکل، نخست وزیر آلمان، در پیامی به مناسبت آغاز سال نو میلادی، از مردم آلمان خواست تا در برابر ۱.۱ میلیون پناهجویی مقیم در آلمان، رفتاری نیکو داشته و مهمان نوازی را فراموش نکنند.

در دوره‌های اولیه‌ی ورود پناهجویان به آلمان، خانم مرکل به دلیل پناه دادن به پناهجویان فقیر و جنگ‌زده تحسین شد، اما تردیدها درباره‌ی توانایی وی در اداره کردن اوضاع مهاجرت، زمانی آغاز شد که سیل میلیونی پناهجویان به دروازه‌های آلمان رسید. با این وجود، انگلا مرکل در پیام سال نو خود، با روحیه‌ی مصمم از سیاست حمایت از پناهجویان دفاع کرد و چالش امروزی را "فرصتی" برای آینده خواند. نخست‌وزیر آلمان در بیانیه‌ی تلویزیونی‌اش گفت: "پیروی نکردن از کسانی که بی‌رحم و یا حتی نژادپرست هستند، اهمیت دارد. آنان از آلمانی بودن تعریفی سطحی دارند و سایرین را به عنوان شهروندان آلمان نمی‌پذیرند."

تاریخ نشان داده که سازماندهی درست پناهجویان، موفقیت‌های بزرگ اقتصادی و اجتماعی را برای کشورهای میزبان به همراه داشته است. خانم مرکل می‌گوید که وظیفه‌ی امروزی آلمان‌ها حمایت از پناهنده‌گان و حفظ کرامت انسانی‌شان است؛ اما بدون شک پناه دادن به جمع عظیمی از انسان‌های درمانده از جنگ، کاری است دشوار و زمان‌بر. آلمان مقصد اصلی بسیاری از پناهجویان سوریه، عراق و افغانستان است.



شماره ۶۵ سال دوم، یکشنبه، ۱۳ جدی ۱۳۹۴ هجری خورشیدی، ۳ جنوری ۲۰۱۶ میلادی

۲۰۱۶؛ ترس بیشتر، فرار بیشتر



بهرام آموئیایی

هر سال جدید ادامه‌ی سالی است که گذشته و میراث خوب و بدی را هم از خود بجا مانده است. ۲۰۱۶ سالی است که افغانستان مجبور است با میراث بدی که از سالهای پیشین باقی مانده است، زندگی کند. اینکه حکومت کابل چقدر قادر به از میان بردن این میراث بد و گشایش روزنه‌های جدید خواهد شد گذشت زمان به آن پاسخ می‌دهد. اما با توجه به قراین و شواهد قوی و آشکاری که در دسترس است، ۲۰۱۶ سالی بدتر از سال‌های پیشین خواهد بود؛ سالی که تندروی اسلامی همچنان میدان‌دار جنگ و خشونت است و مردم همچنان قربانیان نخستین خشونت‌گری‌های آنها.

صفحه ۲

مهم هفته

ارتش ۵۹ نفر را از بند طالبان آزاد کرد

تاسیس سه واحد نظامی جدید در ارتش چین

چین به عنوان بخشی از برنامه‌ی گسترده برای مدرن سازی و افزایش بازده ارتش این کشور سه واحد نظامی جدید راه‌اندازی کرده است.

این واحدهای تازه شامل یک ستاد فرماندهی کل برای نیروهای زمینی، یک واحد حمایت استراتژیک و یک ستاد فرماندهی موشکی است که زرادخانه‌ی هسته‌ی چین را کنترل می‌کند.

شی جین پینگ، رئیس جمهور چین، در مراسم افتتاح این واحدها اعلام کرد که تغییرات تازه، رویای چین برای داشتن ارتشی قدرتمند را محقق خواهد کرد.

چین قصد دارد به عنوان بخش دیگری از این اصلاحات شمار نیروهای "ارتش آزادیبخش خلق" خود را با کاهش ۳۰۰ هزار نفری به دو میلیون نفر برساند و در عوض تجهیزات نظامی و فنی ارتش را به‌روز کند.

خبر تغییرات تازه در حالی اعلام می‌شود که وزارت دفاع چین روز پنجشنبه، ۳۱ دسامبر اعلام کرد که در حال ساخت دومین ناو هوایی‌مبار خود با تکنولوژی کامل داخلی است.

چین هم‌زمان با افزایش تنش‌های آبی با همسایگان خود در دریای جنوبی و شرقی چین تلاش می‌کند نیروی دریایی خود را تقویت کند.

وزارت دفاع افغانستان اعلام کرده که در پی عملیات نیروهای ویژه‌ی ارتش در ولایت جنوبی هلمند، ۵۹ تن از بند گروه طالبان آزاد شدند.

این وزارت در اطلاعیه‌ی نوشته‌ی که این عملیات بر پناهگاه‌های گروه طالبان در منطقه نهر سراج اجرا شد و این افراد پس از آزادی به پایگاه شوراکی ولایت هلمند منتقل شدند.

مقامات این وزارت می‌گویند، ۳۷ نفر از آزادشدگان سربازان ارتش و متبانی ماموران پولیس و غیرنظامیان هستند.

وزارت دفاع افزوده که آن‌ها به عنوان‌های مختلف از سوی گروه طالبان گرفتار شده بودند.

دولت وزیری، سخنگوی این وزارت در یک کنفرانس خبری در کابل گفت که طالبان این افراد را از مدت‌ها پیش به عنوان اسیر نگهداری می‌کردند.

یک منبع امنیتی گفته که سربازان آزاد شده ظرف دو سال گذشته در بند گروه طالبان بودند.

عمر زواک سخنگوی والی هلمند گفته که موقعیت این افراد براساس گزارش‌های اطلاعاتی تشخیص و عملیات نظامی برای آزادی آن‌ها به راه انداخته شد.

گروه طالبان هنوز درباره‌ی این خبر اظهار نظری نکرده است.

منبع: دیپلماسی ایرانی

۲۰۱۶: سال صلح در سوریه؟



سال ۲۰۱۵ در عرصه‌ی سیاست بین‌الملل توانست خاطره‌ی خوشی بر صفحه‌ی تاریخ نقش کند. بنا بر گزارش کمیشر عالی سازمان ملل، تعداد آوارگان و پناهندگان در این سال در سطح جهان به رقم ۶۰ میلیون نفر، یعنی به بالاترین میزان پس از سال ۱۹۹۲ رسیده است. سال ۲۰۱۵ اگرچه میزبان جنگ‌های بزرگ نبود، اما جنگ‌های نیابتی و داخلی زیادی را به خود دید. در این میان، سهم خاورمیانه‌ی پراشوب باز هم از مناطق دیگر پررنگ‌تر بود؛ سوریه سالی به مراتب سخت‌تر را پشت‌سر گذاشت و مذاکرات و نشست‌های دیپلماتیک مختلف هم نتوانست از بار سنگین آوارگی و ناامنی شهروندان آن بکاهد. عراق بیش از پیش صحنه‌ی اختلافات فرقه‌ی‌ی شد و طعم ارتقای هم‌زمان دو روند...

صفحه ۳

وزارت دفاع:

وضعیت نیروهای ارتش تغییر خواهد کرد

وزارت دفاع ملی از تقویت نیروهای ارتش در آینده‌ی نزدیک خبر داده و می‌گوید که با کمک هلیکوپترهای نظامی، وضعیت قوای هوایی نیروهای امنیتی بهبود یافته است.

نبرد سختی در هلمند جریان دارد؛ اما نیروهای امنیتی پیشرفت‌های خوبی برای تامین امنیت این ولایت داشته و لانه‌های اصلی شورشیان در این ولایت نابود شده اند.

به گزارش خبرگزاری جمهوری، دولت وزیری، سخنگوی وزارت دفاع دیروز در یک کنفرانس خبری گفت: کارهای جدی برای تقویت این بخش قوای هوایی نیروهای امنیتی جریان دارد. به باور وی، با کمک‌های هلیکوپترهای نظامی هند و آمریکا، تا حدودی بخش‌هایی از قوای هوایی بهبود یافته است.

بر بنیاد گزارش‌ها، نزدیک به چهار صد نفر در کشورهای آمریکا، جمهوری چک و هند مصروف آموزش هلیکوپترهای نظامی اند و در آینده‌ی نزدیک، این افراد در بخش‌های هوایی نیروهای امنیتی افغان شامل کار خواهند شد.

وزیری افزود: "از همه جوانب، بالای تقویت قوای هوایی کار جریان دارد و در نزدیکی قوای هوایی به پای ایستاد خواهد شد. اضافه‌تر از صد نفر پیلوت در آمریکا مصروف آموزش هستند؛ در قوای هوایی و اضافه‌تر از صد نفر در امارات و کشور جمهوری چک و هند مصروف آموزش‌های حرفه‌ای در بخش قوای هوایی هستند."

وزارت امور داخله نیز از پیشرفت‌های نیروهای امنیتی در ولسوالی سنگین ولایت هلمند و چند ولسوالی ناامن دیگر این ولایت سخن می‌زند. صدیق صدیقی، سخنگوی وزارت امور داخله گفت که در تامین امنیت این ولایت، حمایت‌های مردمی برای حمایت از نیروهای امنیتی مهم پنداشته می‌شود.

آقای صدیقی گفت: در ۲۴ ساعت گذشته در ولایت های هلمند، غزنی، ارزگان و سرپل ۱۲ مورد عملیات انجام شده است.

گپ مردم



اشرف غنی با کی صلح می‌کند؟

ب. آذری

اشرف غنی، رئیس جمهوری افغانستان با نكوهش دو حمله‌ی تروریستی اخیر در شهر کابل و ولایت پکتیکا گفته است: "آنانی که مردم بی‌گناه افغانستان را به خاک و خون می‌کشاند، در مذاکرات صلح نزد مردم و دولت افغانستان جایگاه ندارند."

غنی تاکید کرده است که "گروه‌ها و افرادی که سلاح خود را به زمین نمی‌گذارند و به جنگ علیه مردم افغانستان ادامه می‌دهند، حکومت افغانستان تا زمان محو و نابودی‌شان علیه آنان مبارزه خواهد کرد."

حمله‌ی اخیر در کابل در ذبیح‌الله مجاهد، سختگوی طالبان ملا منصور به عهده گرفته است؛ گروهی که حکومت اشرف غنی قرار است در آینده‌ی نزدیک به همکاری پاکستان با او به گونه‌ی مستقیم وارد گفتگو شود. رئیس جمهوری افغانستان در حالی به تروریست‌ها خط و نشان می‌کشد و بر نابودی آنها تاکید می‌کند که تمام هم‌وغم‌اش از زمان رسیدن به قدرت تا کنون اینست که با کشاندن آنها به میز گفتگوهای صلح، ثبات را به کشور برگرداند.

اگر طالبان گروه تروریست است و باید سرکوب شود، پس رئیس جمهوری افغانستان با کدام طالب و به گفته‌ی خودش "مخالف سیاسی" وارد گفتگو خواهد شد؟

واقعیت تلخ جنگ کنونی در افغانستان بارها ثابت کرده است که چیزی به نام طالب میانه‌رو و خوب که برای پایان جنگ جاری در کشور بتوان روی آن حساب کلانی باز کرد، وجود ندارد. تاکتیک بهره‌برداری از طالب خوب علیه طالب بد با شکست روبرو شده است. آنهایی که زیر این نام جسته و گریخته اینجا و آنجا فعال اند، از نفوذ

بلندی در میان طالبان اصلی (که در میدان‌های جنگ حضور دارند) برخوردار نیستند. طالبان (چه گروه وابسته به ملا منصور و چه گروهی که خود را به ملا رسول وفادار می‌داند) بارها پیش شرط‌های شان برای گفتگو با دولت کابل را اعلام کرده اند که خروج کامل نیروهای ناتو از کشور و لغو پیمان امنیتی با ایالات متحد آمریکا، مهم‌ترین‌های این شرایط است. در حالیکه عملی شدن این پیش شرط‌ها از سوی دولت کابل، هرگز ممکن نیست، زیرا در صورت قطع کمک‌های مالی ایالات متحد آمریکا و خروج کامل

نیروهای ناتو که زیر نام ماموریت "پشتیبانی قاطع" در کشور حضور دارند، دولت افغانستان به دشواری می‌تواند در برابر یورش روبه‌گسترش طالبان و داعش مقاومت کند. نظامیان پاکستانی نیز تا زمانیکه به خواست‌های استراتژیک‌شان در افغانستان نرسند، از حمایت گروه‌های تروریستی، به‌ویژه طالبان (که در حال حاضر

مهم‌ترین و قوی‌ترین گروه هراس افکن در کشور است) در برابر دولت افغانستان دست نمی‌کشند. آنچه در حال حاضر قرار است زیر نام گفتگوهای صلح در اسلام‌آباد آغاز شود، ادامه‌ی ترفندهای همیشگی پاکستان برای سرگرم‌ساختن دولت کابل تا یک مدت معین است که اگر ممکن باشد نظامیان پاکستانی دست‌کم در تاکتیک سودی از آن

ببرند. اشرف غنی یک بار فریب پاکستانی‌ها را خورده است و در حال حاضر به نظر می‌رسد که او هم نسبت به نیت پاکستانی‌ها در پیوند به گفتگوهای صلح مشکوک است. موضع‌گیری‌های آقای غنی پس از سفرش به اسلام‌آباد به روشنی این شک و تردیدها را ثابت می‌کند. او در سفرش به ترکمنستان با ستایش از نقش ثبات‌ساز این کشور در افغانستان، تلوخن از جنگ‌طلبی‌های نظامیان پاکستان انتقاد کرد. غنی گفت: برخی از کشورهای همسایه به‌جای همکاری، تروریزم صادر می‌کنند. این انتقادها در مراسم گشایش تعمیر جدید

پارلمان که به کمک هند ساخته شده است نیز ادامه یافت. حالا با توجه به فضای تیره‌ی شک و بدگمانی در روابط کابل-اسلام‌آباد به سختی میتوان چشم‌انداز امیدوارکننده از آینده‌ی ارائه کرد که در آن جای بی‌اعتمادی و بدبینی را دوستی پایدار و اعتماد صمیمانه بگیرد. از این نظر، بهتر است رئیس جمهوری افغانستان با توجه به واقعیت تلخ کنونی، در برابر تروریزم موضع‌گیری روشن و ثابت اتخاذ کند و خودفریبی را کنار بگذارد.

۲۰۱۶؛

ترسِ بیشتر،

فرار بیشتر

خشونت‌گری‌های آنها.

مقام‌های امریکایی از حالا هشدار می‌دهند که افغانستان سال پرچالش و دشواری را در پیش دارد؛ سالی که در کنار طالبان، داعش نیز دست به جبهه‌گشایی‌های بیشتر خواهد زد. این هشدار در حالی صورت می‌گیرد که همان مقام‌ها از نبود انگیزه در رهبری نیروهای امنیتی افغان، انتقاد می‌کنند. جنرال جان کمپبل، فرمانده عمومی نیروهای امریکا و ناتو در افغانستان اخیرن در دیدار با مقام‌های امنیتی افغان، با اشاره به جنگ هلمند گفته است: "من نخواهم گذاشت که هلمند سقوط کند، اما نمی‌توانم شما را وادار به جنگ کنم. شما باید بیشتر از ما آزادسازی ولایت هلمند را بخواهید."

پیش از این در جنگ قندز نیز، نیروهای امنیتی افغانستان متهم به ناهماهنگی و نداشتن انگیزه در میدان نبرد شده بودند. در چنین وضعیتی روشن است که ۲۰۱۶، سال پیش‌روی‌ها و جبهه‌گشایی‌های تازه‌ی طالبان و داعش خواهد بود؛ سالی که همچنان آرامش را از مردم خواهد گرفت و ترس بر ذهن و زمان افغانستانی‌ها چیره‌تر می‌شود. غنی و عبدالله در سال ۲۰۱۵ نه تنها که نتوانستند امیدهای تازه‌ی برای مردم ایجاد کنند، بلکه امیدهای باقیمانده را نیز از آنها گرفتند. از این نظر، ۲۰۱۶ همچنان سال فرار مردم به بیرون از کشور و سال تداوم بحران پناهندگی به غرب خواهد بود.

بحران مشروعیت

در سال ۲۰۱۵، سایه‌ی بحران مشروعیت بر سر دو قوه‌ی اجراییه و قانون‌گذار دولت افغانستان سنگینی می‌کرد. "حکومت وحدت ملی" بر اساس توافقنامه‌ی دو نامزد پیش‌تاز انتخابات ریاست جمهوری به وجود آمده است، به این دلیل پایه‌ی قانونی ندارد.

در کنار آن، دوره‌ی قانونی مجلس نمایندگان کنونی نیز به پایان رسیده و از نظر قانون اساسی، ادامه‌ی فعالیت آن فاقد مشروعیت است. چون مطابق به ماده‌ی هشتاد و سوم قانون اساسی، "دوره‌ی کاری ولسی جرگه به تاریخ اول سرطان سال پنجم بعد از اعلان نتایج انتخابات به پایان می‌رسد و شورای جدید به کار آغاز می‌نماید." حالا که شش ماه از آن تاریخ می‌گذرد، نه خبری از برگزاری انتخابات پارلمانی است و نه هم نشانی از مجلس نمایندگان جدید. حکومت باید انتخابات پارلمانی را مطابق به قانون اساسی در بهار سال روان خورشیدی برگزار می‌کرد که به دلیل بحران سیاسی در "حکومت وحدت ملی" برگزاری انتخابات پارلمانی تا زمان نامعلوم به تأخیر افتاده است. در حالیکه اشرف غنی و عبدالله گفته اند، انتخابات پارلمانی را در سال آینده‌ی خورشیدی برگزار می‌کنند، اما با توجه به چالش‌هایی که این روند در آینده با آن روبرو خواهد شد، به یقین میتوان گفت که انتخابات آینده‌ی پارلمانی همچنان بحران‌ساز خواهد بود. بر اساس توافقنامه‌ی تشکیل "حکومت وحدت ملی" که میان غنی و عبدالله امضا شده است، انتخابات پارلمانی باید پس از آوردن اصلاحات در نظام انتخاباتی برگزار شود، اما یکی از مهم‌ترین گامهایی که مانع تقلب انتخاباتی شده و سلامت و مشروعیت انتخابات را تضمین می‌کند، توزیع شناسنامه‌های الکترونیک به شهروندان است که در حال حاضر سرنوشت روشنی ندارد. با توجه به این چالش‌ها، انتخابات پارلمانی در سال آینده همچنان به درد سر بزرگی برای حکومت و مردم افغانستان مبدل خواهد شد و در نتیجه بحران مشروعیت نظام همچنان تشدید می‌گردد.

مقام‌های امریکایی از حالا هشدار می‌دهند که افغانستان سال پرچالش و دشواری را در پیش دارد؛ سالی که در کنار طالبان، داعش نیز دست به جبهه‌گشایی‌های بیشتر خواهد زد. این هشدار در حالی صورت می‌گیرد که همان مقام‌ها از نبود انگیزه در رهبری

نیروهای امنیتی افغان، انتقاد می‌کنند. جنرال جان کمپبل، فرمانده عمومی نیروهای امریکا و ناتو در افغانستان اخیرن در دیدار با مقام‌های امنیتی افغان، با اشاره به جنگ هلمند گفته است: "من نخواهم گذاشت که هلمند سقوط کند، اما نمی‌توانم شما را وادار به جنگ کنم. شما باید بیشتر از ما آزادسازی ولایت هلمند را بخواهید."

پیش از این در جنگ قندز نیز، نیروهای امنیتی افغانستان متهم به ناهماهنگی و نداشتن انگیزه در میدان نبرد شده بودند. در چنین وضعیتی روشن است که ۲۰۱۶، سال پیش‌روی‌ها و جبهه‌گشایی‌های تازه‌ی طالبان و داعش خواهد بود؛ سالی که همچنان آرامش را از مردم خواهد گرفت و ترس بر ذهن و زمان افغانستانی‌ها چیره‌تر می‌شود.

غنی و عبدالله در سال ۲۰۱۵ نه تنها که نتوانستند امیدهای تازه‌ی برای مردم ایجاد کنند، بلکه امیدهای باقیمانده را نیز از آنها گرفتند. از این نظر، ۲۰۱۶ همچنان سال فرار مردم به بیرون از کشور و سال تداوم بحران پناهندگی به غرب خواهد بود.

۲۰۱۶؛ سال صلح در...

متعارض شده است که در مقاطع گوناگون یکی بر دیگری تفوق پیدا کرده است. همانطور که گسترش ارتباطات می‌تواند حوزه‌ی تعریف منافع مشترک بازیگران مختلف را در عرصه‌ی جهانی بسط داده و امکان همکاری میان آنها را افزایش دهد، می‌تواند زمینه‌های تعارض و درگیری را نیز تشدید کرده و جنگ‌های طولانی و گسترده را به بار بیاورد. عرصه‌ی سیاست جهانی در سال ۲۰۱۵ نیز در سیطره‌ی کش و قوس‌های همین دو روند به ظاهر معکوس بوده است. مقامات و شخصیت‌های هر یک از کشورها نیز بسته به تجربه‌های این سال، چشم‌انداز سال آتی را در نظر گرفته و به سیاست‌گذاری در این عرصه می‌پردازند.

در همین راستا، جان کری، وزیر خارجه‌ی آمریکا بحران سوریه و آوارگان و اقدامات خشونت‌آمیز را چالش اصلی سیاست خارجی پیش روی آمریکا دانسته است. کری در چارچوب استراتژی همیشگی دولت دموکرات آمریکا مبنی بر اجتناب از درگیری گسترده در جنگ با تروریسم، توسل به ائتلاف بین‌المللی مبارزه با داعش به رهبری آمریکا، افزایش همکاری‌ها با متحدان برای جلوگیری از اشاعه‌ی خشونت در خاورمیانه و حمایت از آوارگان و قربانیان جنگ در سوریه و ارائه‌ی طرح دیپلماتیک به یاری روسیه و سایر کشورها برای کاهش تنش‌ها در سوریه را دستور کار سیاست خارجی آمریکا در سال ۲۰۱۶ خوانده است.

حیدر العبادی، نخست وزیر عراق با عینک خوش‌بینی به سال پیش‌رو نگاه می‌کند. عبادی معتقد است که آزادی رمادی در سال ۲۰۱۵ به

پیروزی نهایی بر داعش در ۲۰۱۶ و بیرون‌راندن کامل آن از عراق ختم خواهد شد. نخست وزیر عراق، موصل را گام بعدی نیروهای عراق برای دستیابی به پیروزی نهایی معرفی کرده است. بحران مهاجرت آواره‌گان سوری و ورود آنها به اروپا از یک طرف و حملات تروریستی ۱۳ نوامبر در پاریس از طرف دیگر، مجدد بحث باقی‌ماندن انگلیس در اتحادیه‌ی اروپا و یا خروج از آن را در این کشور مطرح کرد. نخست وزیر بریتانیا در اوایل دسامبر اعلام کرد که همه‌پرسی عمومی در این خصوص در ماه جون یا جولای ۲۰۱۶ برگزار خواهد شد. دیوید کامرون، نخست وزیر بریتانیا سال ۲۰۱۶ را سالی بسیار مهم دانسته که می‌تواند رابطه‌ی انگلیس با اتحادیه‌ی اروپا را به شکل بنیادین متحول کند. اهمیت سخنان کامرون زمانی بیشتر می‌شود که به نتایج نظرسنجی‌های اخیر در این کشور توجه کنیم. بر اساس این نظرسنجی‌ها، بیش از ۷۴ درصد از شهروندان انگلیسی بر این باورند که حملات تروریستی بزرگی در ۲۰۱۶ در این کشور به وقوع خواهد پیوست.

اما فدریکا موگرینی، مسئول سیاست خارجی اتحادیه‌ی اروپا نیز از جمله‌ی چهره‌هایی است که سپهر سیاست جهانی را در ۲۰۱۶ روشن می‌بیند. موگرینی توافق هسته‌یی با ایران در ۲۰۱۵ را به فال نیک گرفته و آن را نشانه‌یی دال بر پیشرفت‌های بیشتر در سال پیش‌رو می‌داند.

به عقیده‌ی مسئول سیاست خارجی اتحادیه‌ی اروپا، دنیا می‌تواند در سایه‌ی توافق هسته‌یی، سال امن‌تری را پیش‌رو داشته باشد. این توافق ابزارهای لازم برای ارزیابی پایبندی ایران به تعهدات خود را در اختیار قرار می‌دهد و مقامات ایران هم نشان داده اند که قصد دارند به شکلی

کاملن متفاوت، وارد تعامل با جامعه‌ی بین‌المللی شوند.

با این حال موگرینی تاکید می‌کند که صرف نیت خیرخواهانه نمی‌تواند برای حل مشکلات کفایت کند. به عقیده‌ی وی دوراندیشی لازمه‌ی شکل‌دهی به آینده و مواجهه با چالش‌های پیش‌رو است که در خاورمیانه بیشترین تراکم را به خود اختصاص داده است.

موگرینی چالش‌های خاورمیانه را پیچیده در ملغمه‌یی از موضوعات نژادی و مذهبی می‌داند که با جنگ برای هژمونی منطقه‌یی درآمیخته است. وی امیدوار است که تجربه‌ی توافق با ایران بتواند بنیان‌گذار روند مثبت در منطقه برای حل تعارضات، بر پایه‌ی احترام به منافع متقابل شود.

موگرینی از سیاست‌مدارانی است که چندجانبه‌گرایی را همچنان ابزاری کارآمد در عرصه‌ی بین‌المللی می‌داند و دیپلماسی و گفتگو را به عنوان نوشداروی حل معضلات در سال آتی بر می‌شمرد.

باراک اوباما، رئیس جمهور آمریکا نیز دوازده ماه باقیمانده از پایان دوران ریاست جمهوری خود را فرصت ارزشمندی دانسته که باید برای تحقق بیشتر شعار "تغییر" مورد استفاده قرار بگیرد. اوباما با برشمردن دستاوردهای هفت ساله‌ی خود در زمینه‌ی فرار از بحران اقتصادی و ایجاد اشتغال، تامین بیمه‌ی درمانی برای عموم جامعه و پیشروی کشور در زمینه‌ی حمایت از محیط زیست، آینده‌ی درخشانی را برای آمریکا و شهروندان پیش‌بینی کرده است.

اما اسماعیل هنیه، نایب رئیس دفتر سیاسی جنبش مقاومت اسلامی حماس، ۲۰۱۶ را سال گسترش مقاومت در کرانه‌ی باختری و نواره غزه و تدام انتفاضه خوانده است. هنیه اعلام کرده است که حمله‌ی مجدد به نوار غزه توان سنگین برای اسرائیل به دنبال خواهد داشت و آینده‌ی سیاسی مقامات صهیونیستی را در معرض خطر قرار خواهد داد.

مجلس نمایندگان دو فرمان رئیس جمهوری را تأیید کرد

کمیسیون خدمات ملکی دایر شود. پیشتر این رقابت در اداره‌ی خدمات ملکی دایر می شد که بحث‌هایی را در کشور به وجود آورده بود.

شماری از اعضای مجلس نمایندگان اما این تعدیل را خلاف قانون می خوانند و آن را صلاحیت دادن بیشتر به وزرا عنوان کردند. این نمایندگان بر این باورند که با تأیید این تعدیل وزرا از این صلاحیت خود سو استفاده خواهند کردند. هم‌زمان شماری از اعضای

اعضای مجلس نمایندگان در جلسه دیروز این مجلس با اکثریت آرا فرمان تعدیل قانون حقوق اعضای انستیتیوت قانونگذاری و فرمان تعدیل قانون خدمات ملکی را تایید کرده اند.

قانون حقوق اعضای انستیتیوت قانونگذاری در سه فصل و ۱۴ ماده از سوی ریاست جمهوری افغانستان تنظیم شده است.

در یک مورد از این تعدیلات آمده است که رقابت میان نامزدان بست اول و دوم ادارات دولتی در اداره مربوط به وزیر و تحت نظارت

کش گران اصلی سیاست...؟

اعیان روستایی برای دفاع از ارزش‌های آنان بر اریکه‌ی قدرت تکیه زده‌ام. وقتی رئیس جمهور غنی، پروسه‌های ملی‌ای چون روند توزیع تذکره‌ی الکترونیک را متوقف می‌کند، یگانه دلیلش این است که او کنش‌گر اصلی سیاست در افغانستان نیست و نمی‌تواند این روند را بدون اجازه‌ی اعیان روستایی و رهبران محلی شروع کند. از آنجایی که توزیع تذکره‌ی الکترونیک از یک سو، خیلی از معادلات سیاسی را در میدان منازعه‌آمیز قدرت تغییر می‌دهد و بستر شفافیت، پاسخگویی و حکومت‌داری خوب را مساعد ساخته و روند ملت‌سازی در افغانستان را تسریع می‌بخشد، از سوی دیگر، روی چرخش نخبگان و تغییر کنش گران اصلی سیاست نیز تأثیرات عمیقی خواهد داشت.

مسلح و نیرومند خود را تامین کنند. بدین ترتیب، دولت مرکزی در کابل همیشه وابسته به کمک دولت‌های خارجی و موسسات مالی بین‌المللی بوده و نتوانسته یک ارتش نیرومند ملی ایجاد و با توسل به آن خواست‌های خود را بر رهبران قدرتمند محلی تحمیل کند." (شرون، ۱۳۹۱: ۳۹۵ تا ۳۹۶) دولت مرکزی، هر قدر هم که نیرومند شود و ارتش قوی داشته باشد، توانایی خلع سلاح، کاهش نقش آنان در تولید و قاچاق مواد مخدر، کاهش تصمیمات تعیین‌کننده‌ی آنان در سیاست را ندارد. نمونه‌ی بارز این ادعا را می‌توان در سقوط حاکمیت دکتر نجیب الله دید.

اگر امروز رئیس جمهور- اشرف غنی، تسبیح درازی در دست، دستمال بلندی در شانه و لباس محلی به تن می‌کند، می‌خواهد با این عمل، ثابت کند که من نماینده‌ی عام و تام

مجلس نمایندگان کمیسیون اصلاحات اداری را فاقد ظرفیت خواندند.

پیش از این مجلس نمایندگان یک بار بر لغو کمیسیون اصلاحات اداری نیز رای داده بود که این تصمیم مجلس از سوی رییس جمهوری سابق (حامد کرزی) پذیرفته نشده بود. فرمان رئیس جمهوری در حالی از سوی نمایندگان مجلس تأیید می شود که پیش از این دستکم هشت فرمان تقنینی رئیس جمهور از سوی مجلس رد شده بود.

در نهایت می‌توان گفت که کنش‌گران اصلی سیاست، نمی‌خواهند موقف تاج‌گذاری و کنش‌گری فعال را به این آسانی از دست بدهند. اما اگر چرخش در کنش‌گری فعال سیاسی و اقتصادی صورت بگیرد و ارتش، سیاست، حکومت، قضا و پارلمان از کنش‌گران سستی و اعیان روستایی پاک‌سازی نشود؛ هر لحظه امکان بازگشت افغانستان به منازعه‌ی قومی وجود خواهد داشت و هر بار ما شاهد قربانی منافع ملی، مرگ ارزش‌های دموکراتیک و بی‌ثباتی سیاسی خواهیم بود.

منبع:

شرون، گری سی. (۱۳۹۱)، ماموریت سقوط، چگونه سی. آی. ای عملیات براندازی طالبان را در افغانستان رهبری کرد؟، ترجمه‌ی اسدالله شفاپی، کابل: مرکز مطالعات صلح و توسعه

برگی از تاریخ

روابط افغانستان و پاکستان در دوران حاکمیت داوود

"استراتژی واردآوردن فشار بر محمد داوود موثر واقع شد. او که زمانی قهرمان داعیه‌ی پشتونستان به شمار می‌آمد، آماده شد تا با پاکستان راه مذاکره و سازش را در پیش گیرد.

داکتر رحیم شیرزوی که در سال ۱۹۷۵ سفیر دولت افغانستان در پاکستان بود، اولین پیام حسن‌نیت داوود را به ذوالفقار علی بوتو نخست وزیر پاکستان رسانید:

داوودخان گفت که باید به بوتو گفته شود که ما یک پاکستان و افغانستان قوی می‌خواهیم. برای این که احساس ما در این است که اصل سرحد هندوستان از پاکستان عبور کرده تا هندوکش است. وقتی که من این پیام را به بوتو بردم، بوتو باورش نمی‌آمد که داوودخان چطور یک پاکستان و افغانستان متحد و قوی می‌خواهد.

مناسبات افغانستان و پاکستان در مسیر نوی قرار می‌گرفت. پایان تشنج آغاز شده بود. در اواسط سال ۱۹۷۶ رهبران پاکستان و افغانستان به کشورهای یکدیگر مسافرت کرده و سعی کردند تا اختلافات شان را از جمله در رابطه با مساله‌ی پشتونستان کنار بگذارند. دکتر رحیم شیرزوی می‌گوید:

بوتو روز پنجم جون ۱۹۷۶ برای مذاکرات به کابل مسافرت کرد و در این مذاکرات از سر تا آخر در موضوع پشتونستان گپ می‌زدند، لیکن یک کلمه هم نمی‌گفتند که طرف مقابل را تحریک نکنند. به تعقیب آن بوتو داوودخان را دعوت می‌کند و داوود خان دو ماه بعد از آن به پاکستان می‌رود. یک دعوت فوق‌العاده بود که هیچ زعیم دولت را تا این حد پذیرایی نکرده بود. در مذاکراتی که طی پانزده سال در چهار روز صورت گرفت، بوتو به داوود خان گفت که من تو را پدر می‌خوانم و قضیه‌ی پشتونستان را به هر ترتیبی که تو بخواهی من می‌خواهم که همان طور باشد. لیکن فکر باید بکنید شما که یک پسر را پیش ملت‌اش خجالت ندهید.

سیاست تفاهم با پاکستان و حل اختلافات با آن کشور به ویژه در مسئله‌ی پشتونستان از طریق گفت‌وگو، مورد حمایت رهبران پشتون در پاکستان نیز قرار گرفته بود. عبدالولی خان، یکی از رهبران برجسته‌ی پشتون، ملاقاتش را با جنرال ضیاالحق رهبر نظامی پاکستان در سال ۱۹۷۷ به یاد می‌آورد:

من در زندان بودم و آقای ضیاالحق مرا از زندان خواست و به بیمارستان راولپندی انتقال داد. در آنجا او با من در مورد مسئله‌ی افغانستان مفصلن صحبت کرد. من برای وی گفتم که حل مسئله‌ی افغانستان بسیار آسان است. زیرا سردار محمدداوود خان شخصی است که در نبود او فردای افغانستان با خانه‌جنگی(جنگ داخلی) و تباهی بزرگی رو به رو خواهد شد. من به ضیاالحق گفتم که بروید و مستقیم با وی حرف بزنید؛ او گفت که من می‌ترسم که اگر بروم، سردار داوود درباره‌ی سرزمین پاکستان ادعایی را مطرح کند. من گفتم که سردار داوود هیچ نوع ادعایی بر خاک پاکستان ندارد. بعدن جنرال ضیاالحق به کابل رفت و من دوباره به زندان رفتم. و وقتی که ضیاالحق از کابل برگشت، برایم گفت که سردار داوود در ضیافت رسمی اعلان کرد که بر خاک پاکستان هیچ‌گونه ادعایی ندارد. این فیصله‌ای بود که میان دو کشور صورت گرفت. ولی بعدن نیروهایی که طرفدار بهبود روابط افغانستان و پاکستان نبودند و تنها به این دلیل با افغانستان روابط دوستانه ایجاد کرده بودند که فردا آن را برضد روسیه به سنگری مبدل کنند، در این تصمیم خرابکاری کردند."

منبع: افغانستان در قرن بیستم، نوشته‌ی ظاهر طین، از انتشارات اکادمی علوم افغانستان، صص ۱۸۷- ۱۸۹

افغانستان، سرزمین سربریدن‌ها

کدام فایز

افغانستان سرزمین سربریدن‌هاست. در این سرزمین، گاهی سر تبسم زیر ساتور چهل، بربریت و تروریزم قطع می‌شود، گاهی سرهای سربازان در بدخشان توسط طالبان بریده می‌شود، گاهی در ننگرهار سر جنگ‌جویان محلی توسط داعشیان از تن جدا می‌شود و گاهی هم داعشیان در اچین ننگرهار با چاقوی جنگ‌جویان محلی خشونت‌گرا بریده شده و در سر سرک‌ها به نمایش گذاشته می‌شود. به نظر می‌رسد، تنها راه تنازع بقا در این کشور، سربریدن است؛ یا سربیری یا سربریده شوی!

هفته‌ی قبل، افراد وابسته به ظاهر قدیر، معاول اول مجلس نمایندگان، بعد از سربریده شدن هم‌زمان‌شان توسط گروه داعش، آنان نیز پنج عضو گروه داعش را که در اسارت‌شان بودند، سر بریدند. این واقعه در حالی به وقوع پیوست که گروه طالبان پنجاه روز قبل، هفت مسافری روبروده‌شده را در ولایت زابل سربریدند.

حال سوال اینجاست که آیا مردم افغانستان به جز سربریدن، کشتن، جنگ و خشونت چیزی دیگری هم بلد اند؟ آیا مردم افغانستان به جز بنیادگرایی دینی و تروریزم، گزینه‌ی دیگری هم دارند یا خیر؟

در پاسخ به این سوال‌ها، می‌توان گفت: بلی. مردم افغانستان به جز سربریدن و بنیادگرایی دینی و تروریزم راه‌های دیگری نیز دارند و می‌توانند به جای کشتن، جنگ و خشونت راه دیگری را برای بقای شان در پیش گیرند. شاید بعضی‌ها بر این باور باشند که افراد ظاهر قدیر کار درستی را انجام داده اند؛ چون وقتی گروه داعش، طالبان و تروریست‌ها بیاند مردم تان را بکشند، به زنان تان تجاوز کنند، کودکان تان را سربرند و تو بیایی و بگویی که راه حل خشونت نیست!

من نیز کشتن داعشیان را عمل نیک می‌پندارم، اما به نمایش گذاشتن سرها را در سرک‌ها نادرست می‌پندارم. چون این عمل باعث بازتولید خشونت می‌شود. شاید بعضی‌ها بگویند که در این سرزمین این حرف‌ها اتوپی‌گرایی بی‌بیش نیست. اما اگر لحظه‌یی به خود بیندیشیم، در می‌یابیم که ما برای بقای مان جنگ‌های زیادی کرده‌ایم، خون‌های زیادی ریخته‌ایم و سرهای زیادی بریده‌ایم و یا برعکس دیگران، خون‌های مان را زیاد ریخته اند، جنگ‌ها کرده اند و سرها بریده اند، در نهایت حاصل کار ما و آنان چه بوده است؟ شاید خیلی از شما بگویید، احیای هویت. دیگران بگویند، حفظ حاکمیت. اما من می‌گویم چهالت.

وقتی کسی سر کسی را می‌برد، کسی را می‌کشد و یا خشونت را مرتکب می‌شود و عین عمل را دیگران نیز با وی انجام می‌دهند، نتیجه‌تن به نابودی دو طرف می‌انجامد. این قضیه تا لایتهای ادامه می‌یابد و به نابودی بشریت می‌انجامد. در کشتار و قساوت، نه احیای هویتی وجود دارد، نه حفظ حاکمیتی. این راه جز سقوط انسانیت چیزی دیگری نیست.

مردم افغانستان به جز تروریزم، گزینه‌ی دیگری نیز دارند و آن حاکمیت قانون اساسی، حفظ نظام سیاسی موجود، مبارزه با تروریزم و تحکیم دموکراسی است. اما اینکه دولت، نمی‌تواند یا نمی‌خواهد از تروریزم، دوست و دشمن مردم افغانستان تعریف دقیقی ارائه کند و برای مردم افغانستان خط و مشی مناسب مترقی اقتصادی-سیاسی را ترسیم کند، بحث دیگری است. اگر تحلیل را در حد کلان‌تری مدنظر بگیریم، این است که در سطح جهانی نیز، بشر به جز دو گزینه‌ی تروریزم و نیولیبرالیسم، انتخاب دیگری ندارد. گرچه، تحلیل خیلی‌ها بر این باشد که تروریزم بین‌المللی نیز زاده‌ی نیولیبرالیسم و... است. اما فلتن گزینه‌ی نیولیبرالیسم انتخاب بهتر و مناسب‌تری است؛ چون تروریزم حق نفس کشیدن را برای بشریت نمی‌دهد، اما نیولیبرالیسم با تمام کم و کاستی‌هایش با ما حق نفس کشیدن را می‌دهد!

در نهایت، می‌خواهم یادآور شوم که اگر خشونت را با خشونت، خون را با خون و جنگ را با جنگ پاسخ دهیم، اولین بازنده ما خواهیم بود. حتا با این کار، در حقیقت به نفع بنیادگرایی شمشیر خواهیم زد، بدون این که خودمان بفهمیم/ بخواهیم. لذا، اگر می‌خواهیم بقای خودمان را تضمین کنیم، راهی جز پذیرش ارزش‌های دموکراتیک و مبارزه برای تحکیم دموکراسی، حقوق بشر، آزادی بیان، توانمندسازی حکومت، گسترش حاکمیت قانون و مشارکت سیاسی نداریم. تحکیم دموکراسی و ارزش‌های مدنی از راه آموزش ممکن است. آموزش ارزش‌های دموکراتیک رگ غیرت افغانی را فرو می‌نشاند و جهالت را می‌زداید و بستر را برای نظام انسانی‌تر و سیستم اجتماعی مترقی‌تر باز می‌کند.

کدام فایز

کنش‌گران اصلی سیاست در افغانستان کی‌ها اند؟



بلکه بر اساس استراتژی‌های منفعت‌گرایانه‌ی کنش‌گران اصلی سیاست در افغانستان عمل می‌کنند. از همان آغاز شکل‌گیری جغرافیایی بنام "افغانستان"، کنش‌گران اصلی سیاست در این سرزمین، اعیان روستایی، کنش‌گران قومی و قبیله‌سالاران محلی بوده اند. از زمانی تاج‌گذاری احمدشاه ابدالی گرفته تا تاج‌گذاری غنی، همه و همه توسط قبیله‌سالاران محلی و روستایی-که در آن سوی پایتخت حاکمیت دارند- انجام یافته است. شاید بعضی‌ها بگویند، که تاج‌گذاری غنی توسط جان‌کری انجام شد و اعیان روستایی در آن نقش بارزی نداشتند. اما باید بگویم که وقتی صندوق‌های پر از ثقل از سراسر ولایات به نفع غنی سرازیر می‌شد و نتیجه‌ی دور دوم به نفع غنی رقم خورد، وقتی عبدالله مجبور به تقسیم قدرت با غنی شد و وقتی بر سر توزیع قدرت در میان دو جناح کشمکش جریان دارد، دلیلی جزء دخالت کنش‌گران اصلی سیاست (اعیان روستایی و قبیله‌سالاران محلی) ندارد. در این بازی، حتا متحدان بین‌المللی دولت افغانستان، از چگونگی انجام این بازی به صورت دقیق و حساب‌شده، انگشت حیرت به دهان بردند. این رهبران نه‌تنها در تعیین زمام امور و کنترل دولت مرکزی، بلکه در زد و بندهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دیگر نیز دست باز دارند.

"در طول تاریخ افغانستان، دولت‌های مرکزی در کابل ضعیف بوده اند و فقدان منابع مهم و معتبر مالی کار آن‌ها را با مشکل روبرو کرده و مانع از آن شده تا ارتش نیرومندی ایجاد شود که قادر به اعمال قدرت نظامی در ولایات باشد. جدا از سنگ‌های قیمتی در مناطق تاجیک‌نشین شمال، تنها دو منبع مهم دیگر درآمد ملی وجود داشته است: مالیات بر واردات کالا از مرزها و جایجایی کالا در شبکه‌ی جاده‌های داخلی و پولی که از طریق تجارت غیرقانونی مواد مخدر و قاچاق آن به دست می‌آید. رهبران نیرومند قبایلی در ولایات مرزی، به سادگی توانسته اند اغلب این درآمدها را غضب کنند.

رهبران محلی همیشه از قاچاق مواد مخدر، یا با دخالت مستقیم در این کار یا با وضع مالیات بر نقل و انتقال آن، نفع برده اند. این پول جمعی از رهبران محلی را ثروتمند کرده و به آن‌ها امکان داده تا گروه‌های... صفحه‌ی ۳

مسواوی دارند، در هر ولایت اداره‌ی نامتجانسی را شکل می‌دهند که قادر به تصمیم‌گیری‌های دقیق بر اساس منافع ملی نیستند. در نگاه دیگر، این تقسیم‌بندی‌ها به حدی خصمانه است که نه تنها پست‌های بلند دولتی، بلکه حتا ماموران پایین‌رتبه نیز میان آنان تقسیمات شده است. در این میان اما، کسانی که قبیل در دوران حاکمیت کززی، در پست‌های بلند دولتی فعالیت داشتند، بیشترین ضربه را متحمل شدند، بعضی از آنان یا از پست‌های شان برکنار شدند و یا هم برای حفظ موقف خود به طرف یکی از این جناح‌ها خزیدند.

این وضعیت نه تنها نمایانگر بی‌ثباتی شغلی است، بلکه نمایانگر بی‌ثباتی سیاسی، اقتصادی-اجتماعی نیز است. این می‌رساند که دولت افغانستان نه تنها در بخش پرسونل دولتی، بلکه در مدیریت‌های کلان اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نیز بی‌برنامه و فاقد استراتژی ملی است.

در این کشور نه تنها کارمندان، بلکه منافع بزرگ ملی نیز قربانی منافع و سلیقه‌های شخصی سیاست‌مداران و ارگ‌نشینان می‌شود. در حالیکه در کشورهای دیگر، بروکراسی و حاکمیت دولتی طوری تغییر می‌خورد که افراد نو نیز به دنبال تطبیق استراتژی ملی قبلی و تکامل آن گام بر می‌دارند. در افغانستان اما، افراد نه تنها به دنبال یک استراتژی خاص گام بر نمی‌دارند (چون یا استراتژی‌ای وجود ندارد یا تطبیق نمی‌شود)،

اگر امروز رئیس‌جمهور- اشرف غنی، تسبیح درازی در دست، دستمال بلندی در شانه و لباس محلی به تن می‌کند، می‌خواهد با این عمل، ثابت کند که من نماینده‌ی عام و تام اعیان روستایی برای دفاع از ارزش‌های آنان بر اریکه‌ی قدرت تکیه زده‌ام. وقتی رئیس‌جمهور غنی، پیروسی‌های ملی‌ای چون روند توزیع تذکره‌ی الکترونیکی را متوقف می‌کند، یگانه دلیلش این است که او کنش‌گر اصلی سیاست در افغانستان نیست و نمی‌تواند این روند را بدون اجازه‌ی اعیان روستایی و رهبران محلی شروع کند. از آنجایی که توزیع تذکره‌ی الکترونیکی از یک سو، خیلی از معادلات سیاسی را در میدان منازعه‌آمیز قدرت تغییر می‌دهد و بی‌سنتر شفافیت، پاسخگویی و حکومت‌داری خوب را مساعد ساخته و روند ملت‌سازی در افغانستان را تسریع می‌بخشد، از سوی دیگر، روی چرخش نخبگان و تغییر کنش‌گران اصلی سیاست نیز تأثیرات عمیقی خواهد داشت.

در نهایت می‌توان گفت که کنش‌گران اصلی سیاست، نمی‌خواهند موقف تاج‌گذاری و کنش‌گری فعال را به این آسانی از دست بدهند. اما اگر چرخش در کنش‌گری فعال سیاسی و اقتصادی صورت نگیرد و ارتش، سیاست، حکومت، قضا و پارلمان از کنش‌گران سنتی و اعیان روستایی پاک‌سازی نشود؛ هر لحظه امکان بازگشت افغانستان به منازعه‌ی قومی وجود خواهد داشت و هر بار ما شاهد قربانی منافع ملی، مرگ ارزش‌های دموکراتیک و بی‌ثباتی سیاسی خواهیم بود.